

رسالة في الإجازة

از: محدث نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق)

بِه كوشش: وحید شوندى

پيشگفتار

سنتِ اجازة؛ سنتی ارزنده

یکی از سنتهای ژرف و بنیادین به یادگار مانده از آن طلایه داران سترگ، سنتِ اجازة حدیث است.

از آن روز که پیشوایان ما علیهم السلام، به برخی از همروزگارانِ خویش، اجازة شفاهی در نقل احادیث و روایات ارزانی داشتند^۱، تا به امروز این سنتِ ارزنده، نسل به نسل و دوران به دوران ادامه داشته و خواهد داشت.

و مرور برگزیده اجازة - در حقیقت - مرور بر تاریخ ارزشهاست، که در فراسوی تاریخ علم حدیث، عوامل و اسباب فراوانی در پیدایش و گسترش این میراثِ ارجدار تأثیر داشته و دارد. این میراث، در درازای تاریخ پر دامنه اسلام، بالنده و فراینده بوده است، و در روند بالندگی و فرایندگی از عوامل درونی - جهشها و زایشهای فکری نسلها -، و عوامل برونی - محیط و جو

۱. هم مانند: اجازة امام صادق علیه السلام، در خصوص نقل اخبارِ ابان بن تغلب، به ابان بن عثمان: «... إِنَّ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ رَوَى عَنِّي ثَلَاثِينَ أَلْفَ حَدِيثٍ فَأَرَوْهَا عَنهُ». (رجال نجاشی ۱۲، ش ۷)؛ و به سلیم بن ابی حیه: «أَتَتْ أَبَانَ بْنَ تَغْلِبٍ فَأَتَاهُ قَدْ سَمِعَ مِنِّي حَدِيثًا كَثِيرًا فَأَرَوْهُ لِي لَكِ فَأَرَوْهُ عَنِّي». (رجال نجاشی ۱۳، ش ۷). و نیز اجازة امام صادق علیه السلام به تمامی همروزگان و پیروانِ خویش: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا سَمِعْتُمْ عَنِّي أَنْ تَرَوُوهُ عَن أَبِي، وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا سَمِعْتُمْ عَن أَبِي أَنْ تَرَوُوهُ عَنِّي، لَيْسَ عَلَيْكُمْ فِي هَذَا جُنَاحٌ». (بخار الأثوار ۱۰۴/۴۳ - ۴۴).

فرهنگی و سیاسی دورانها- تأثیر پذیرفته است. لذا آن کس که تحتی به تاریخ پر رمز و راز اجازه مینگرد، بطور ناخود آگاه، خویش را در میان دریایی از تحولات گونه گون می یابد. باری آنکه که آدمی می بیند، متن اجازه فرهیخته ای - مثلاً در دوران صفویه -، با متن اجازه فرهیخته ای دیگر در دوران قاجاریه، از حیثیهای گونه گون، تفاوتیهای بنیادی دارد، بی درنگ در نهان خانه خویش می یابد که تمام تحولات - چه آنها که از عوامل درونی نشئه گرفته، و چه آنها که از عوامل برونی - دست به دست هم داده اند، تا کمکم چنین فرایندی را به بار آورده اند. و نیز ناگفته پیداست، آنکس که اندک اطلاعی از سنت اجازه داشته باشد، خواهد دانست که یک نسخه از حدیثنامه ی معروف، که در بردارنده اجازه علامه مجلسی رحمته الله علیه - و یا حدیث پژوهی دیگر، هم مانند: شیخ حرّ عاملی رحمته الله علیه، فیض کاشانی رحمته الله علیه، سید نعمت الله جزائری رحمته الله علیه، و... - باشد، با وجود آنکه از دیگر نسخ متأخر است، اما ارجمندتر و قابل اعتمادتر است؛ چه این اجازه، نشان دهنده ی آنست که این نسخه مزیت و برتری نسبت به دیگر نسخ داشته است که فراخور توجه شخصی همچو مجلسی قرار گرفته است.

آری در همین راستا بود که دانشوران با هر گرایش فکری که دارا بودند - اعم از اصولی، اخباری، فلسفی، عرفانی - در وادی اجازه حدیث گام نهادند، و در پی اکتشاف طرق برآمدند. و از این رو، در این مسیر گروهی از ایشان، رسائل و مجموعه هایی در اجازه حدیث فراهم آوردند، هم چو:

[۱]. الإجازات لكشف طرق المفازات؛ از: سیدرضی الدین علی ابن طاوس (۵۸۹-۶۶۴ ق).

گوشه ای از این نوشتار را، دانشمند روشننگر علامه محمد باقر مجلسی رحمته الله علیه، در بخش اجازات بحار الانوار (۱۰۴/۳۷-۴۵) آورده است.

[۲]. الإجازة الكبيرة؛ از: علامه جمال الدین ابی منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی (۶۴۸-۷۲۶ ق)، در تاریخ ۱۵ شعبان، سنه ۷۲۳ ق، به بنی زهره.

این نوشتار را نیز، علامه محمد باقر مجلسی رحمته الله علیه - از آغازینه، تا انجامه آن - در بخش اجازات بحار الانوار (۱۰۴/۶۰-۱۳۷) جای داده است. هم چنین آنرا، کاظم عبود فتلاوی بطور جداگانه، در نجف اشرف، سنه ۱۴۲۶ ق، به چاپ رسانیده است.

[۳]. کتاب الإجازات؛ از: سید حسین کرکی عاملی (م ۱۰۴۱ ق).

این نوشتار، توسط استاد صدرائی خویی، در «کتاب شیعه؛ ویژه نامه اجازات» (دفتر ۷ و ۸/۱۶۹-۱۸۵)، تحت عنوان «کتاب اجازات سید حسین کرکی؛ اولین کتاب اجازات شیعه» معرفی شده است.

[۴]. الإجازة الكبيرة؛ از: شیخ عبدالله بن صالح سماهيجی بجرانی (م ۱۱۳۵ ق)، در تاریخ دوشنبه، ۲۳ صفر سنه ۱۱۲۸ ق، به شیخ ناصر بن محمد جارودی خطی.

این نوشتار، توسط مهدی عوازم قطیفی، به زیور طبع آراسته گردیده است.

[۵]. الإجازة الكبيرة؛ از: سید عبدالله موسوی جزائری (م ۱۱۷۳ ق)، در تاریخ یکشنبه، ۲ جمادی الثانیة سنه ۱۱۶۸ ق، به چهارتن از دانشمندان هویزه.

این نوشتار، به همراه پیشگفتاری از آیت الله مرعشی نجفی، و با تحقیق استاد سماوی حائری، و اشرف دکتر سید محمود مرعشی نجفی، در سنه ۱۴۰۹ ق، به زیور طبع آراسته گردیده است.

[۶]. لؤلؤة البحرين في الإجازة لقرتی العین؛ از: شیخ یوسف بجرانی (۱۱۰۷-۱۱۸۶ ق)، در تاریخ ۱۱ ربیع الاول سنه ۱۱۸۲ ق، به برادرزاده گانش شیخ خلف بن عبدعلی بن احمد، و شیخ حسین بن محمد بن احمد.

این نوشتار، به کوشش دانشمند فرزانه آیت الله سید محمد صادق بحر العلوم (م ۱۳۹۹ ق)، در نجف اشرف - مطبعة النعمان، بسال ۱۳۹۰ ق، به زیور طبع آراسته گردیده است.

[۷]. مناقب الفضلاء؛ از: سید محمد حسین خاتون آبادی (م ۱۱۵۱ ق)، به زین الدین علی خوانساری، در سنه ۱۱۳۸ ق.

این نوشتار، در پایان کتاب «نفحات الروضات» - به صورت عکسی -، از روی دستنوشته مرحوم آیت الله سید احمد روضاتی (م ۱۳۸۰ ش)، به چاپ رسیده بود. و سپس با تصحیح جویا جهانبخش در «میراث حدیث شیعه» (۴۳۹/۱۴-۵۲۰) به چاپ رسید.

[۸]. الروضة الیهیة فی الإجازة الشفیعیة؛ از: سید محمد شفیع موسوی جابلقی بروجردی (م ۱۲۸۰ ق)، در ماه رمضان، سنه ۱۲۷۸ ق، به فرزندانش سید علی اکبر «آقا کوچک»، و سید علی اصغر.

این نوشتار، توسط سید جعفر حسینی اشکوری، در مؤسسه کتابشناسی شیعه - قم، سنه ۱۴۳۴ ق / ۱۳۹۲ ش، به زیور طبع آراسته گردیده است.

[۹]. الشجرة المورقة والمشیخة المونقة؛ از امام الحرمین محمد بن عبدالوهاب همدانی (م ۱۳۰۵ ق).

نسخه ای از این نوشتار، در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، به شماره ۵۴۴۲ [ف: ۲۲۳/۱۴]، نگهداری می شود. هم چنین، تصویر عکسی این نسخه، در مرکز احیاء میراث اسلامی، به شماره ۱۵۱۵ [ف: ۳۲۸/۴] در دسترس تمامی نسخه پژوهان است.

[۱۰]. مشجرة مواقع النجوم و سلاسل الدر المنظوم؛ از: میرزا حسین بن محمدتقی نوری طبرسی (نگارنده نوشته پیش رو).

این نوشتار، با پیشگفتاری از آیت الله مرعشی نجفی، و با تحقیق دکتر سید محمود مرعشی نجفی، به همراه «مشجرة إجازات العلماء الإمامية وبعض العامة»، در سنه ۱۴۰۶ ق، به زیور طبع آراسته گردیده است.

[۱۱]. رسالة فی الإجازة؛ از: نگارنده پیشین.

نوشته پیش رو، که به زودی پیرامون آن، سخن به میان خواهد آمد.

[۱۲]. الفهرس الصدرية فی الإجازات العلیة؛ از: شیخ صدر الاسلام علی اکبر بن شیرمحمد

همدانی (م ۱۳۲۵ ق).

این نوشتار، توسط سید جعفر حسینی اشکوری، در «میراث حدیث شیعه» (۱۱/ ۳۴۹-۵۲۳) به چاپ رسیده است.

[۱۳]. إجازات الروایة والوراثة فی القرون الأخيرة الثلاثة؛ از: شیخ آقا بزرگ طهرانی (۱۲۹۴-۱۳۸۹ ق).

این نوشتار، در بردارنده بیش از ۵۰ اجازه است، و توسط استاد صدرائی خویی در «میراث حدیث شیعه» (۷/ ۵۲۹-۵۴۸) معرفی شده است. و نسخه عکسی آن، به شماره ۱۷۴۲ [ف: ۱۹۷/۵] در مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است.

[۱۴]. ضیاء المفازات فی طرق مشایخ الإجازات؛ از: نگارنده پیشین.

این نوشتار، به تسطیر/ رونوشت استاد سید محمد حسین حسینی جلالی، و با تحقیق احمد حائری، در «میراث حدیث شیعه» (۵/ ۴۰۳-۵۱۹) به چاپ رسیده است.

[۱۵]. الإسناد المصقی إلى آل المصطفی ﷺ؛ از: نگارنده پیشین.

این نوشتار، توسط احمد حائری، در «میراث حدیث شیعه» (۱۴/ ۳۴۱-۴۱۰) به چاپ رسیده است.



[۱۶]. ذیل الإسناد المصقّی إلى آل المصطفى عليه السلام؛ از نگارنده پیشین.

این نوشتار، توسط استاد سید محمدرضا حسینی جلالی، در «میراث حدیث شیعه» (۴۲۰-۴۱۱/۱۴) به چاپ رسیده است.

[۱۷]. بُغیة الوُعاة فی طبقات مشایخ الإجازات؛ از سید حسن صدر کاظمی عاملی (۱۲۷۲-۱۳۵۴ ق).

این نوشتار، به کوشش دوست گرامی محمد حسین نجفی، و به همراه حواشی و تعلیقات آیت الله سید موسی شُبیری زنجانی، استاد سید محمدرضا حسینی جلالی، استاد سید عبدالستار حسینی بغدادی، و آقای سید محمد حسن موسوی آبادانی، در «کتاب شیعه؛ ویژه نامه اجازات» (دقتر ۷/۸-۴۲۹-۵۵۵)، به چاپ رسیده است.

[۱۸]. ثبت الأُتبات فی سلسلة الرّوایة؛ از سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی (۱۲۹۰-۱۳۷۷ ق).

این نوشتار، که در حقیقت متن اجازة ایشان به مجازین می باشد، در مطبعة العرفان- صیدا، بسال ۱۳۵۵ ق / ۱۹۳۷ م، به زیور طبع آراسته گردیده است. نمونه ای از آن را، در «المسلسلات» (۲۰۹-۲۱۷) می توان دید.

[۱۹]. مشجّرة إجازات العلماء الإمامیة و بعض العائمة؛ از سید ابوالقاسم طباطبائی تبریزی نجفی حائری (۱۲۸۶-۱۳۶۲ ق).

این نوشتار، با پیشگفتاری از آیت الله مرعشی نجفی، و با تحقیق دکتر سید محمود مرعشی نجفی، به همراه «مشجّرة مواقع النجوم و سلاسل الدر المنظوم»، در سنه ۱۴۰۶ ق، به چاپ رسیده است.

[۲۰]. الإجازة الكبيرة أو الطریق و المحجّة لثمرة المهجة؛ از آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی (۱۳۱۵-۱۴۱۱ ق)، به فرزندش دکتر سید محمود مرعشی نجفی.

این نوشتار که در بردارنده ۱۰ فصل می باشد، به کوشش استاد سما می حائری، وزیر نظر دکتر سید محمود مرعشی نجفی، به چاپ رسیده است. و برآستی که این نگاشته، از برآزنده ترین جستارها، در وادی اجازة حدیث است. و در اینجایی مناسبت نیست که اشاره کنیم، بخش پایانی این مجموعه - که مشتمل بر وصایای آیت الله مرعشی نجفی است - توسط شاگرد برجسته ی ایشان، استاد سید عادل علوی در کتابی جداگانه، به نام «الأنوار الشهابیة فی

بیان الوصایا المرعشیة» شرح داده شده است.

[۲۱]. الطرق والأسانید إلى مرویات أهل البيت علیهم السلام؛ از: نگارنده پیشین.

این نوشتار که در حقیقت، متن اجازه آیت الله مرعشی نجفی به مجازین می باشد، به خط چشم نواز محمود اشرفی تبریزی، در ۳۰ صفحه به زیور طبع آراسته گردیده است.

[۲۲]. المسلسلات فی الإجازات؛ از: دکتر سید محمود مرعشی نجفی.

نگارنده در این نوشتار، در صدد آن برآمده است که زیست نامه گروهی از مشایخ، و تصویر برخی از اجازات پدرش «آیت الله مرعشی نجفی» را، در دو دفتر جداگانه، و در چند فصل مستقل گردآوری نماید.

[۲۳]. ثبت الأسانید العوالی إلى مرویات السید محمد رضا الحسینی الجلالی؛ از: استاد

سید محمد رضا حسینی جلالی.

این نوشتار جستاری کوتاه، ولی پرمایه، در شناساندن مشایخ نگارنده است. و در لابلای آن، به دیگر نگاشته ها و پژوهشها، در وادی اجازه حدیث، اشاره شده است. و برآستی که نگارنده، از پس این مهم برآمده، و تحقیقی فراخور توجه، بدست داده است. این نگاشته، با پیش گفتار استاد سید احمد حسینی اشکوری، در مجمع ذخائر اسلامی - قم، بسال ۱۴۲۰ق، به زیور طبع آراسته گردیده است.

[۲۴]. فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه (جلد یازدهم و دوازدهم)؛

از: استاد شیخ علی صدرائی خوبی.

این نوشتار، تکاپویی نو و پژوهشی بدیع، در وادی اجازه حدیث است. نگارنده در این نگاشته، به ۱۲۶۵ عنوان اجازه، و ۱۶۱۷ نسخه از اجازات عالمان شیعه رهنمون شده، و در توصیف برخی از آنان، کاوش های ارزشمندی، ارائه نموده است. این نگاشته در دو دفتر (جلد یازدهم، و دوازدهم)، توسط انتشارات دارالحدیث - قم، بسال ۱۳۸۹ ش، به زیور طبع آراسته گردیده است.

این بود، کوتاه سخنی، پیرامون برخی از شاخص ترین، دست آوردهای دانشوران و پژوهندگان شیعه، در وادی اجازه حدیث. به امید روزی که زمینه تلاشها و پژوهشها، بر کرانه این سنت دیرینه، روز به روز فزون گردد، و پژوهاکی شکوهمند، برای دیگر تحقیقهای حدیثی و تاریخی باشد.

مؤلف

ناگفته پیداست، که یکی از این دانشوران نستوه، میرزا حسین بن محمدتقی بن علی محمد نوری طبرسی - علیه شایب الغفران وأسکه الله فی الجنان - (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق) می باشد، که در قرن سیزدهم هجری، در علم حدیث و رجال و درایه گوی سبقت را از دگران ربود، و با بیان شکرینش روح تازه ای در جسم نحیف علم حدیث دمید، و علم تراجم را با خامه گوهرینش فربه ای بخشید. همو که مجاز دیرباز، به خاتم المحدثین و ثالث المجلسین شهره شد، و از خود آثاری شگرف به یادگار گذارد.

او در تاریخ ۱۸ شوال سنه ۱۲۵۴ ق / ۱۸۳۸ م در روستای یالواز خطه طبرستان پا به عرصه هستی نهاد. و در حالی که فقط ۸ بهار از عمرش سپری شده بود، پدرش را از دست داد. و تا مدتی چند، به همین روال، روزگار گذرانید، تا اینکه دست تقدیر وی را به سوی شیخ محمد علی محلاتی (م ۱۳۰۶ ق) رهنمون شد، و از بوستان وجود وی، خوشه ها چید. و پس از آن راهی تهران شد، و در آنجا از مجلس درس شیخ عبدالرحیم بروجردی (م ۱۲۷۷ ق) «پدر همسرش» استفاده نمود.

وی، به جهت تکمیل مدارج اخلاقی و علمی، در سنه ۱۲۷۳ ق راهی عراق شد، و به مدت ۴ سال در نجف اشرف ماند، و سپس به ایران سفر کرد. و پس از آن، در سنه ۱۲۷۸ ق دگر بار راهی عراق گشت، و این بار هم نشینی با شیخ عبدالحسین تهرانی شهره به شیخ العراقین (م ۱۲۸۶ ق) - نخستین کسی که برای ایشان اجازه حدیث نگاشت - را در برنامه روزمره خویش گنجانید، و با ایشان چند سالی را در کربلا، و کاظمیه به سربرد.

و در سنه ۱۲۸۰ ق راهی بیت الله الحرام شد، و پس از ادای فریضة حج، قصد نجف اشرف کرد، و در آن سامان، مدتی چند، از مجلس درس شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ ق) بهره مند شد، تا آنکه خورشید حیات استاد، غروب کرد. پس دگر بار در سنه ۱۲۸۴ ق راهی ایران شد، و به قصد زیارت امام همام علی بن موسی الرضا علیه السلام در خراسان فرود آمد، و بعد از آن، در سنه ۱۲۸۶ ق به عراق بازگشت، و در همین سال، در غم از دست دادن استاد خویش، شیخ عبدالحسین تهرانی، به سوگواری نشست.

نیز باری دگر، زیارت بیت الله الحرام ارزانی وی شد، و پس از انجام مناسک حج، به نجف اشرف بازگشت، و دو سال در آنجا ماند. و بعد از درنگی چند، در سنه ۱۲۹۲ ق به همراه

خانواده اش و استادش مولی فتحعلی سلطان آبادی (م ح ۱۳۱۲ ق)، به قافله میرزای بزرگ شیرازی (م ۱۳۱۲ ق) در سامراء پیوست، و از حواریین و مقربین ایشان شد. و پس از چند صباحی، برای سومین بار، توفیق زیارت کعبه دلهانصیب وی شد، و هنگامه بازگشت در سنه ۱۲۹۷ ق، به ایران سفر کرد، و برای دومین بار به زیارت امام رضا علیه السلام شتافت. و پس از ایامی چند در سنه ۱۲۹۹ ق، برای چهارمین بار به حج رفت، و بعد از ادای فرائض، راهی سامراء شد، و تا سنه ۱۳۱۴ ق در آن جا روزگار گذرانید، و سپس به مهد علم در آن روزگار - نجف اشرف - رفت، و تا واپسین لحظات عمر خود، در آنجا سکنی گزید.

سرانجام، پس از عمری خدمت خالصانه، در شب چهارشنبه ۲۷ جمادی الثانیة سنه ۱۳۲۰ ق / ۱۹۰۲ م، درست آن هنگام که نزدیک به ۶۶ سال داشت^۱، در نجف اشرف دیده از جهان فرو بست، و فردا روز - که روز شهادت امام هادی علیه السلام بود - بنا بر وصیت خویش، در صحن علوی - ایوان حجره سوم از ایوانهای شرقی باب القبله - آسوده آرمید. اورفت، اما از خود آثاری به یادگار گذارد، که از همان ابتدا ذکر جمیلشان، میان مردمان افتاد. از میان آن آثار پرمایه و بلند پایگاه، می توان به نگاشته های ذیل، اشاره نمود:

۱. البدر المشعشع فی ذریة موسی المبرقع علیه السلام؛
۲. تحية الزائر وبلغة المجاور؛
۳. جنة المأوی فیمن فاز بلقاء الحجة عليه السلام، فی الغيبة الكبرى؛
۴. الحواشي علی منتهی المقال فی علم الرجال؛
۵. دار السلام فیما یتعلق بالرؤیا و المنام؛
۶. رسالة فی الإجازة؛ نوشته پیش رو.
۷. شاخه طوبی؛
۸. الصحیفة الثانية العلویة علیه السلام؛
۹. الصحیفة الرابعة السجادية علیه السلام؛
۱۰. فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب ربّ الأرباب^۲؛

۱. دانشمند فرهیخته میرزا محمد علی معلّم حبیب آبادی (۱۳۰۸-۱۳۹۶ ق) می نویسد: (و مدت عمر او شصت و پنج سال و هشت ماه و نه روز بوده). (مکارم الآثار ۵/ ۱۴۶۳)

۲. شیخ محمد حرزالدین نجفی (۱۲۷۳ - ۱۳۶۵ ق) - از مجازین محدث نوری - درباره این نوشته جنجالی،

١١. الفيض القدسي في ترجمة العلامة المجلسي رحمته الله؛
 ١٢. كشف الأستار عن وجه الإمام الغائب عن الأبصار عليه السلام؛
 ١٣. الكلمة الطيبة؛
 ١٤. لؤلؤ و مرجان در شرط پله اول و دوّم منبر روضه خوانان؛
 ١٥. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل^١؛
 ١٦. معالم العبر في استدراك البحار السابع عشر؛
 ١٧. ميزان السماء في تعيين مولد خاتم الأنبياء عليه السلام؛
 ١٨. [مشجرة] مواقع النجوم و سلاسل الدر المنظوم؛
 ١٩. النجم الثاقب في أحوال الإمام الغائب عليه السلام؛
 ٢٠. نفّس الرّحمان في فضائل سيّدنا سلمان عليه السلام؛
- در اینجا خوب است به این نکته هم اشاره کنیم، که وی از ٥ تن اجازة حدیث داشت:

- (١). شیخ مرتضی انصاری (م ١٢٨٤ ق)؛
 - (٢). شیخ عبدالحسین تهرانی «شیخ العراقین» (م ١٢٨٦ ق)؛
 - (٣). ملا علی بن خلیل تهرانی (م ١٢٩٧ ق)؛
 - (٤). سیّد مهدی قزوینی (م ١٣٠٠ ق)؛
 - (٥). سیّد محمد هاشم خوانساری (م ١٣١٨ ق).
- هم چنین از میان شاگردان و مجازین ایشان می توان به بزرگانی چون:
١. شیخ عباس قمی (١٢٩٤ - ١٣٥٩)؛
 ٢. شیخ آقا بزرگ تهرانی (١٢٩٣ - ١٣٨٩)؛

می نویسد: «و یالیته لم یکتبه، إذ به طالت ألسنة اليهود والملحدین، ولقد أراد شیئاً فوقع فیما هو أعظم منه، و عمدة ما أراده بیان ما صدر من أهل الصدر الأوّل من الصحابة، إلاّ أنّه يستلزم الطعن في الكتاب المجید و تواتره، و ردّ علیه الشیخ محمّد الطهرانی». (معارف الرجال: ١/ ٢٧٢)

١. کتابشناس برجسته علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی (١٢٩٣ - ١٣٨٩ ق) از استاد خویش، آخوند محمد کاظم خراسانی «صاحب کفایه»، نقل می کند که وی فرمود: «... إنّ الحجّة للمجتهد في عصرنا هذا، لانتم قبل الرجوع إلى (المستدرک) و الإطلاع على ما فيه من الأحادیث» (نقباء البشر «طبقات أعلام الشيعة ١٤/ ٥٥٣»). و نیز از استاد دیگرش، شیخ الشریعه اصفهانی، سخن به میان آورد، که می فرمود: «کلنا عیال على النوري» (نقباء البشر «طبقات أعلام الشيعة ١٤/ ٥٥٤»)

۳. شیخ فضل الله نوری «خواهرزاده و داماد ایشان» (۱۲۵۹-۱۳۲۷)؛
۴. سید عبدالحسین شرف الدین عاملی (۱۲۹۰-۱۳۷۷)؛
۵. سید محسن امین عاملی (۱۲۸۴-۱۳۷۱)؛
۶. سید ابوالقاسم دہکردی (۱۲۸۷-۱۳۵۳)؛
۷. سید حسین طباطبائی قمی «حاج آقا حسین» (۱۲۸۲-۱۳۶۴)؛
۸. شیخ ابوالمجد محمدرضا اصفہانی (۱۲۸۷-۱۳۶۲)؛
۹. شیخ منیرالدین بروجردی (۱۲۶۹-۱۳۴۱)؛
۱۰. شیخ محمد جواد بلاغی (م ۱۳۵۲)؛
۱۱. میرزا محمد ارباب قمی (۱۲۷۳-۱۳۴۱)؛
۱۲. سید ہبۃ الدین شہرستانی (۱۳۰۱-۱۳۸۶)؛
۱۳. شیخ حیدرقلی سردار کابلی (۱۲۹۳-۱۳۷۲)؛
۱۴. میرزا جواد ملکی تبریزی (م ۱۳۴۳)؛
۱۵. میرزا محمد عسکری تہرانی (۱۲۸۱-۱۳۷۱)؛
۱۶. میرزا ابوالفضل کلانتری تہرانی (۱۲۷۳-۱۳۱۶)؛
۱۷. شیخ آقا ضیاء الدین عراقی (۱۲۷۸-۱۳۶۱)؛
۱۸. سید حسن صدر کاظمینی (۱۲۷۲-۱۳۵۴)؛
۱۹. شیخ عبدالکریم حائری یزدی «مؤسس حوزہ» (۱۲۷۶-۱۳۵۵)؛
۲۰. میرزا محمد حسین نائینی (۱۲۷۷-۱۳۵۵)؛
۲۱. شیخ محمد حسین اصفہانی «کمپانی» (۱۲۹۶-۱۳۶۱)؛
۲۲. شیخ محمد باقر بہاری ہمدانی (۱۲۷۵-۱۳۳۳)؛
۲۳. شیخ محمد فیض قمی (۱۲۹۲-۱۳۷۰)؛
۲۴. محمد بن عبدالوہاب ہمدانی «امام الحرمین» (م ۱۳۰۵)؛
۲۵. شیخ علی اکبر ہمدانی «صدرالاسلام» (۱۲۷۵-۱۳۲۵)؛
۲۶. شیخ علی اکبر نہاوندی (۱۲۷۸-۱۳۶۹)؛
۲۷. شیخ محمد باقر بیرجندی (۱۲۷۶-۱۳۵۲)؛
۲۸. شیخ محمد حرزالدین نجفی (۱۲۷۳-۱۳۶۵)؛

۲۹. شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (۱۲۹۴-۱۳۷۳)؛
 ۳۰. سید جعفر بحر العلوم (۱۲۸۹-۱۳۷۷)؛
 ۳۱. شیخ علی بن ابراهیم قمی «زاهد» (۱۲۸۳-۱۳۷۱)؛
 ۳۲. سید علم الهدی نقوی کابلی (۱۲۸۸-۱۳۶۸)؛
 ۳۳. شیخ محمد حسن آل کبه (۱۲۶۹-۱۳۳۳)؛
 ۳۴. شیخ مهدی حکمی قمی «پایین شهری» (۱۲۸۱-۱۳۶۰)؛
 ۳۵. میرزا حسن علیاری غروی تبریزی (م ۱۳۵۸)؛
 ۳۶. سید محمد رضا یثربی (۱۲۸۲-۱۳۴۷)؛
 ۳۷. شیخ عبدالله مامقانی (۱۲۹۰-۱۳۵۱)؛
 ۳۸. شیخ جواد شاه عبدالعظیمی (۱۲۷۵-۱۳۵۵)؛
 ۳۹. شیخ محمد کاظم شیرازی (۱۲۹۰-۱۳۶۷)؛
 ۴۰. سید عبدالله ثقة الاسلام اصفهانی (۱۲۸۵-۱۳۸۲).

و... اشاره نمود، که هریک ستاره ای پرفروغ، در آسمان علم و معرفت اند. - خدایشان

بیامرزاد - ۱.

بصحة

نگاشته پیش رو

راست اینکه، یکی از آثار کم برگ، ولی گرانسنگ وی - که نامی از آن، در مصادر تراجم به میان نیامده است - رساله ای کوتاه، در وادی اجازة حدیث است، که تک نسخه ای از آن، در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، در مجموعه به شماره (۱۲۷۹۱) نگهداری می شود. این مجموعه، در بردارنده ۴ رساله می باشد، که عبارتند از:

۱. زیست نامه وی رانگو، در: خاتمة المستدرک ۸۷۷/۳؛ نعباء البشر «طبقات أعلام الشيعة ۱۴/۵۴۳»؛ معارف الرجال ۲۷۱/۱؛ الفوائد الرضوية ۱۴۹؛ الكنى والألقاب ۴۴۴/۲؛ أعيان الشيعة ۱۴۳/۶؛ مستدرکات أعيان الشيعة ۷۱/۸؛ ریحانة الأدب ۳۸۹/۳؛ مرآة الشرق ۶۳۳/۱؛ مرآة الكتب ۲۳۶/۲؛ هدية العارفين ۱/۳۳۰؛ معجم المؤلفين ۴۶/۴؛ مکارم الآثار ۱۴۶۱/۵؛ گنجینه دانشمندان ۲۳/۶؛ علماء معاصرین ۷۱؛ الأعلام ۲/۲۸۲؛ الدرر البهية في تراجم علماء الإمامية ۲۶۲/۱؛ معجم المؤلفين العراقيين ۳/۳۶۴؛ و...).

- [۱]. الإجازة؛ از: محدث نوری.
- [۲]. الفائدة الثالثة من خاتمة كتاب مستدرک الوسائل؛ از: شیخ أبی المجد محمد رضا اصفهانی (۱۲۸۷-۱۳۶۲) - مجاز از محدث نوری - نگارنده در این نگاشته، طرق متصل خود به محدث نوری را شرح داده است.
- [۳]. مقدّمة شرح أو حاشية المكاسب / رسالة في أحوال الشيخ الأنصاري؛ از: نگارنده ای ناشناس (درگذشته پس از ۱۲۸۱ ق).
- [۴]. الإجازات؛ نوشته ای که در بردارنده برخی از اجازات بزرگان شیعه است. اما نوشته پیش رو، در فهرست آن کتابخانه وزین چنین معرفی شده است:
- الإجازة؛ از: حسین بن محمد تقی نوری طبرسی «حاجی نوری»، درگذشته: ۱۳۲۰ هـ. آغاز: «نحمد لمن إتصل أسانيد ذواتنا بالمُرسل المرسل لوجود الوجود و فضل مداد علمائنا... فيقول العبد المذنب... إن في ما سارت به السيرة بين الأصحاب».
- انجام: «وقد أشار إلى منامه على أن أدخله في سلسله من تقدّمنا من العلماء وأجيز له رواية آثار أئمة الهدى».
- گزارش متن: رساله ای است مختصر در اجازة حدیث و اجتهاد و فوائد و اهمیت آن، و در پایان نیز به شخصی که نام او در این نسخه نیامده است اجازة داده است، نامی از این رساله، در منابع موجود و تألیفات محدث نوری، یافت نگردید، بخشی از اصطلاحات علم حدیث و نام برخی از کتابها به صورت براعت استهلال در خطبه این رساله آمده است. از شیخ العراقرین عبدالحسین بن علی تهرانی (درگذشته ۱۲۸۶ هـ) با عنوان (أدام الله أعزازه)^۱ یاد کرده است.
- گزارش نسخه: نوع خط: نستعلیق؛ تاریخ کتابت: سده ۱۳ هـ؛ عنوانها و نشانیها: مشکى؛ نوع کاغذ: فرنگی؛ تعداد برگ: ۶ (۱-۶)؛ تعداد سطر: (۱۱-۱۳)؛ اندازه متن: ۱۴ × ۱۰ سانتی متر.
- ویژگی های نسخه: نسخه ای است نفیس و اصل، بخط مبارک مؤلف، اندکی حاشیه نویسی دارد، در حاشیه تصحیح شده است»^۲.
- شایان ذکرست، که در فهرستگان «فنخا»، نسخه دیگری از این نوشته، در کتابخانه

۱. باین حساب، نوشتار پیش رو، در زمان حیات شیخ عبدالحسین تهرانی «شیخ العراقرین» گرد آمده است.

۲. نگر: فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ۳۲/۴۸۳-۴۸۷.



مجلس به شماره (۱۸۵۰۵ ض)، گزارش شده است^۱، لیکن با مراجعه به آن، هویدای می گردد، که نسخه‌ای است از کتاب «تکالیف الأنام فی غیبة الإمام ع»، به خامة شیخ صدر الإسلام علی اکبر همدانی (۱۲۷۵-۱۳۲۵)، که در پایان آن، صورت اجازة محدث نوری به وی، نقل شده است. و این امر بر فهرستنگار مشتبه گردیده، و از نگاشته پیش رو، دو نسخه معرفی کرده‌اند.

و این کمترین را - پس از درنگی چند - نظر بر آن شد، که این رساله گوهر بار، را تصحیح نموده، و آنرا چنین نام نهاد: «رسالة فی الإجازة»؛ باشد که مورد قبول افتد.

در اینجا فرصت را غنیمت شمرده، و از مسئولان با نشاط و خدمتگزار مرکز احیاء میراث اسلامی - که بسیاری از مآخذ و منابع اصیل را در اختیارم قرار دادند - سپاسگزاری می نمایم، و از پروردگار توانا، شادکامی روز افزون ایشان را خواستارم. نیز از استاد سید احمد حسینی اشکوری، و استاد شیخ علی صدرائی خوبی - که با کمال محبت، این نگاشته را، پیش از نشر دیدند و خواندند، و از کثری های آن کاستند - تشکر نموده، و روزگاری برفراز قله های کامروایی را برایشان آرزو مندم.



بسم الله الرحمن الرحيم

[خطبة الرسالة]

نَحْمَدُ لِمَنْ إِتَّصَلَ أَسَانِيدُ ذَوَاتِنَا بِالْمُرْسَلِ الْمُرْسَلِ لِحُجُودِ الْوُجُودِ، وَفَضَّلَ مَدَادَ عُلَمَائِنَا عَلَى دِمَاءِ مَنْ قُتِلَ سَبِيلَ الشَّاهِدِ وَالْمَشْهُودِ^۲، الْمُدْرَجِ فِي صِحَاهُمْ نُورٌ يَقْذِيفُهُ فِي قَلْبِ مَنْ يُرِيدُ^۳،

۱. نگر: (فهرستگان نسخه های خطی ایران «فنخا» ۱/۵۸۹).

۲. قال الإمام الصادق ع: «إذا كان يوم القيامة جمع الله عز وجل الناس في صعيد واحد ووضعت الموازين، فتوزن دماء الشهداء مع مداد العلماء فيرجح مداد العلماء على دماء الشهداء». (الفقيه ۴/۳۹۹، ح ۵۸۵۳؛ الأمالي للصدوق ۱۶۹/المجلس الثاني والثلاثون، ح ۱).

۳. أخرج الشهيد الثاني ع عن الإمام الصادق ع: أنه قال: «ليس العلم بكثرة التعلم، وإنما هو نور يقذفه الله تعالى في قلب من يريد الله أن يهديه». (منية المرید ۱۶۷). وروى مثله العلامة المجلسي ع عن خط الشيخ البهائي ع عن الشيخ شمس الدين محمد بن مكي عن خط الشيخ أحمد الفراهاني عن أبي عبد الله عنون البصري عن الإمام الصادق ع: أنه قال: «يا أبا عبد الله؛ ليس العلم بالتعلم، إنما هو نور يقع في قلب من يريد الله تبارك وتعالى أن يهديه». (بحار الأنوار ۱/۲۲۵).

المأجج في حسانهم ناز من شجرة مُلكٍ لا يُسجد، أودع في قلوبهم حُباً أَرَدَ عَهِم زَهْر الدَّنيا و ربيعها، وأركز في صدورهم لُباً فتمسكوا برجالٍ لا تُلهيهم تجارتها ولا يبعثها، حمداً ينقطع و لما يقف دونه حمدٌ كلٌ حامد، ويحترقُ ولما يسمعون ذوات كل شيطان مارد^٢، ونصلي على الدليل في الليل المدلس العمياء، الواقف السائر في مدبجي الآخرة والأولى، فياله من عزيز قدر مرفوع غير معلل، و غريب سند قوي موضوع في الدر الأول، بحر علوم الأنبياء رشحة من طفحات بحر جوده، وأنوار أعلام علم الهدى مقتبس من ١٧/ أ شعشة ذكاء وجوده، نبينا الأكرم محمد المحمود المصطفى، المتردى ببرد النبوة وآدم بين الطين والماء^٣، صلوة دائمة يضطلع عليها الأخيار، ويناولونها الأملاك بين يدي الجبار، والسلام التام على خلاصة فهرست الكونين، و منتهى مقال آمال رجال الخافقين، الجراح لمن عدل عن سلسلة الشرع الأطهر، والوارد لأوليائه على الرحيق المختوم والسلسيل والكوثر، الأصل القديم الذي إليه يرجع فروع كل خير و صواب، والكتاب الكريم الذي فيه أحصي كل جاء وآب^٤، ولينا الأعظم

١. إشارة إلى قوله تعالى: {رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب والأبصار}. (سورة النور، الآية ٣٧).

٢. إشارة إلى قوله تعالى: {إنا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب وحفظاً من كل شيطان مارد لا يسمعون إلى الملأ الأعلى و يقذفون من كل جانب}. (سورة الصافات، الآية ٦ - ٨).

٣. قال النبي ﷺ: «كُنْتُ نَبِيًّا وَأَدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ». لاحظ: (مناقب آل أبي طالب عليه السلام ١/ ٢١٤؛ وعنه: بحار الأنوار ١٦/ ٤٠٢).

٤. إشارة إلى كلام مؤلانا أمير المؤمنين علي عليه السلام: «أنا كلام - أو كتاب - الله الناطق». (وسائل الشيعة ٢٧/ ٣٤، كتاب القضاء، ب ٥ باب تحريم الحكم بغير الكتاب والسنة ووجوب نقض الحكم مع ظهور الخطأ من أبواب صفات القاضى وما يجوز أن يقضى به، ح ١٢؛ بحار الأنوار ٣٠/ ٥٤٦)؛ إذ هو محيط بعلم الكتاب كما يشهد بذلك قوله تعالى في (سورة الرعد، الآية ٤٣): {قل كفى بالله شهيداً بيني وبينكم ومن عنده علم الكتاب}، وورد في تفسيرها عن النبي والأئمة الطاهرين عليه السلام، أنه هو مؤلانا أمير المؤمنين علي بن أبى طالب عليه السلام. فلاحظ: (بصائر الدرجات ١/ ٢١٢). وهو عليه السلام أصدق شاهد لقوله تعالى: {ثم أوثنا الكتاب الذين إصطفينا من عبادنا} (سورة الفاطر، الآية ٣٢)، و {وما يعلم تأويله إلا الله والراسخون في العلم} (سورة آل عمران، الآية ٧)، وغيرها من آيات القرآن المجيد.

وتدل على شمول الثقلين بكل شىء، آيات من الكتاب؛ نحو قوله تعالى: {لا رطب ولا يابس إلا في كتاب مبين} (سورة الأنعام، الآية ٥٩)، و {ونزلنا الكتاب عليك تبيانا لكل شىء} (سورة النحل، الآية ٨٩)، و {ما قرطنا في الكتاب من شىء} (سورة الأنعام، الآية ٣٨)، و {كل شىء أحصيناه كتاباً} (سورة النبأ، الآية ٢٩)، و {كل شىء أحصيناه فى إمام مبين} (سورة يس، الآية ١٢)؛ وروايات من الأئمة المعصومين عليه السلام كقول الإمام



الأعظم علي العالي المجتبي، والمُنغظي بريطة الولاية وعرش الرّحمن على الماء، والشّجرة التي أصلها ثابتٌ وفرعها في السّماء^١، وعلى أغصان تلك الشّجرة الأئمة الكرام البّرة، ورثة الإنجيل وورثة التنزيل^٢، النجوم الزاهرة^٣ في فلك الإقبال والرّضا، والفلك الجارية^٤ في يَمّ القدر والقضاء، وعلى أوراقها وأشعته وأوليائه وأحبّته، الذين إذ أروى عنه شيئاً أخذوه، أو رأى فيه أمراً اتبعوه^٥، سلاماً متوالياً بتوالي الليالي والأيام، دائماً بدوام مُلكِ الملوك العلام /اب/ ٧.

الصادق عليه السلام: «ليس شيء إلا في الكتاب والسنة» (بصائر الدرجات ٣٨٧)، وكقول الإمام الكاظم عليه السلام: «إتته ليس بشيء إلا وقد جاء في الكتاب والسنة» (بصائر الدرجات ٣٠٢). ولقد جعل ثقة الإسلام الكليني عليه السلام في كتابه الشريف «الكافي» باباً باسم: «باب الردّ إلى الكتاب والسنة وأنه ليس شيء من الحلال والحرام وجميع ما يحتاج الناس إليه إلا وقد جاء فيه كتاباً أو سنة»، وأورد فيه الأحاديث الشريفة بالأسانيد المباركة.

١. إشارة إلى قوله تعالى: { كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء }. (سورة إبراهيم، الآية ٢٤). ورد في تفسيرها عن النبي ﷺ: «أنا أصلها وعلي فرعها والأئمة أغصانها وعلما ثمها وشيعتنا ورقها». لاحظ: (بصائر الدرجات ٥٨).

٢. قال مؤلانا أمير المؤمنين علي عليه السلام: «والله لا يسألني أهل التوراة ولا أهل الإنجيل ولا أهل الزبور ولا أهل الفرقان، إلا فرقت بين أهل كل كتاب بحكم ما في كتابهم». (بصائر الدرجات ١/١٣٤). وأيضاً قال عليه السلام في رواية أخرى: «لأننا أعلم بالتوراة من أهل التوراة، وأعلم بالإنجيل من أهل الإنجيل». (بصائر الدرجات ١/١٣٥).

٣. قال الإمام العسكري عليه السلام في حديث طويل: «وأن خلفاءه من بعده هم التجوم الزاهرة، والأقار المنيرة، وشموس المضيئة الباهرة...». (التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ٢٩٢-٢٩٣).

٤. ومن أدعية الإمام علي بن الحسين عليه السلام عند زوال من أيام شعبان وفي ليلة النصف منه: «... اللهم صلّ على محمد وآل محمد الفلك الجارية في اللجج الغامرة، يأمن من ركبها، ويغرق من تركها، المتقدم لهم مارق، والمتأخر عنهم زاهق، واللازم لهم لاحق». (المزار الكبير ٤٠٠-٤٠١).

٥. لم أعثر على نصّه فيما بيدي من الجوامع الروائية، والأظهر أنه مضمون بعض الأخبار كرواية الإمام الرضا عليه السلام: «شيعتنا المسلمون - [أي المطيعون] - لأمرنا، الآخذون بقولنا، المخالفون لأعدائنا؛ فن لم يكن كذلك فليس منا». لاحظ: (صفات الشيعة ٣، ح ٢؛ وعنه: وسائل الشيعة ١١٧/٢٧، ب ٩ باب وجوه الجمع بين الأحاديث المختلفة وكيفية العمل بها، ح ٢٥؛ بحار الأنوار ١٦٧/٦٥). وأيضاً أنظر قصّة هارون المكي، وجلوسه في التنوير بأمر الإمام الصادق عليه السلام، في (مناقب آل أبي طالب عليه السلام ٢٣٧/٤؛ وعنه: مدينة معاجر الأئمة الإثني عشر عليه السلام ١١٤-١١٥؛ بحار الأنوار ١٢٣/٤٧-١٢٤).

٦. في المخطوطة: «متواليّة» و«دائمة»؛ والصحيح ما أثبتناه.

٧. لقد أبدع المصنف في براعة الإستهلال من ذكر الإتصال، الإسناد، المرسل، المدرج، الصحيح، الحسن، الإنقطاع، الوقوف، المدلس، المدرج، العزيز، المرفوع، المعلل، الغريب، السند، القوي، الموضوع، المناولة، الجرح، التعديل، الأصل، الكتاب؛ وهو من محاسن البديع المرغوب فيها.

[فوائد الإجازة ومعناها]

فيقول العبد المذنب المسئى حسين بن محمد تقى النورى نور الله قلبه بنور العلم والعمل، قبل أن إستطفه^١ حضور الأجل: إن في مسارت به السيرة بين الأصحاب، وإستمرت الطريقة من إتصال السند إلى الأئمة الأطياب، فوائد جلية ومنافع جميلة، وكفاه فضيلة وشرف التأسى بمن غبر وسلف، والعمل بما ورد عن قصر مشيد وبئر لا ينزف: «إذا حدثتم بحديث فأسندوه إلى الذي حدثكم، فإن كان حقاً فلكم، وإن كان كذباً فعليه»^٢.

ونقل عن بعض الأعلام^٣؛ أنه قال: «لكل دين فرسان، وفرسان هذا الدين أصحاب الأسانيد»^٤.

كيف؛ وخبرية الخبر وصدق بلوغ الأثر، متوقفة على الرواية ومنوطة بالإجازة وإلا فالمدرج في الكتب والرسائل ليس إلا نقوشاً ومداد [أ]، لا يسمي خبراً ولا حديثاً، والتسمية مجاز لا يصلح للإستناد.

ولذي ترى ولوع الأصحاب في إكتثار الطرق والأسانيد إلى كل مصنف ومؤلف بعد كون الكتب عن صاحبه متواترة، وشيوع الإجازة بين كل من إندرج في هذه السلسلة، وعدّها أمراً عظيماً حتى دونوا فيه كتباً متكاثرة. وعدم إقتصارهم بطريق واحد أصح سند لما قلناه، وأصدق

وأيضاً أشار في الخطبة - تلويحاً - إلى ثلاثة كتب من مصادر الرجال:

أ- «الفهرست»: للشيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي رحمته الله (٣٨٥-٤٦٠). لاحظ حوله: (الذريعة ١٦/٣٨٤، رقم ١٧٩٠؛ التراث العربي المخطوط ٩/٤٧٠).

ب- «خلاصة الأقوال»: للعلامة أبي منصور الحسن ابن يوسف بن المطهر الحلبي رحمته الله (٦٤٨-٧٢٦). لاحظ حوله: (الذريعة ٧/٢١٤، رقم ١٠٤٠؛ التراث العربي المخطوط ٥/٢٨٦).

ج- «منتهى المقال»: للشيخ أبي علي محمد بن إسماعيل المازندراني الحائري رحمته الله (١١٥٩-١٢١٥). لاحظ حوله: (الذريعة ٢٣/١٣، رقم ٧٨٤٥؛ التراث العربي المخطوط ١٢/٣٨٢).

١. «إستطقت حاجته: تهيأت وتيسرت». (أساس البلاغة ٣٩١، «طفف»).

٢. رواه ثقة الإسلام الكليني رحمته الله عن مولانا الإمام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب رحمته الله. لاحظ: (الكافي ١/٥٢١، كتاب فضل العلم، باب رواية الكتب والحديث وفضل الكتابة والتمسك بالكتب، ح ٧).

٣. وهو الحافظ أبو معاوية يزيد بن زريع العيشي البصري (١٠١-١٨٢) - من أعلام العامة -؛ وكان عثمانياً كما حكى ابن سعد في طبقاته. لاحظ فيه: (الطبقات ٧/٢٨٩؛ سير أعلام النبلاء ٨/٢٩٦-٢٩٩؛ تاريخ الإسلام ١٢/٢٥٧-٢٥٨).

٤. أخرجه الذهبي عنه بإسناده عن صالح بن حاتم بن وردان، في كتابه: (سير أعلام النبلاء ٨/٢٩٨).



شاهد؛ حتى قال السيّد الجليل والحبر النبيل السيّد تاج الدّين أبو عبد الله محمّد بن القاسم بن مَعِيّة الحسيني الدّيباجي^١ - أستاذ الشّهيد - في بعض إجازاته: «إني أروي / ٢/ أ عن ستين شيخاً من أصحابنا»^٢، والشيخ الأجل الشّهيد الأوّل^٣ في بعض كلماته: «استجزت من أربعين شيخاً من مشايخ العامّة»^٤. ولو أمعنت النظر في كلماتهم، وفتحت البصر في إجازاتهم، لوجدت جُلهم كذلك واسع الطّرق كثير الإجازة، وسيأتي في ذكر طرقيّ ما يزيد في بصيرتك.

فلأصغى إلى ما ذكره بعض أفاضل المتأخّرين^٥ من إنكار فائدة الإجازة وإحصارها في التبرك والتمنن؛ وليت شعري أيُّ تبرك في إتصال السند إلى كتب العامّة العمياء، وتصانيف رؤساهم الأضاليل ك: «القاموس»^٦، و«الصحاح»^٧، و«الكشاف»^٨، و

١. وهو السيّد تاج الدّين أبو عبد الله محمّد بن جلال الدّين أبي جعفر القاسم بن فخر الدّين الحسين بن جلال الدّين أبي جعفر القاسم العلوي الحسني - لا الحسيني - الدّيباجي، المعروف بابن مَعِيّة عليه السلام (توفي ٨ ربيع الآخر سنة ٧٧٦هـ، في الحلة، وحملت جنازته إلى مشهد أمير المؤمنين عليه السلام - كما عن مجموعة الشّهيد)، وكان من أساتذة الشّهيد الأوّل، والنسابة الشهير السيّد جمال الدّين أحمد بن علي المشتهر بابن عنبة (ت ٨٢٨هـ). لاحظ ترجمته في: (عمدة الطالب ١٦٩-١٧١هـ؛ أمل الأمل ٢/٢٩٤؛ رياض العلماء ٥/١٥٢؛ روضات الجنات ٦/٣٢٤، رقم ٥٩٠؛ خاتمة المستدرک ٢/٣١٢؛ الكنى والألقاب ١/٤٠٢؛ الفوائد الرضوية ٥٩١؛ سفينة البحار ٨/٨٨؛ أعيان الشيعة ١٠/٣٩؛ الحقائق الراهنة «طبقات أعلام الشيعة ٥/١٩٧»).

٢. قاله عليه السلام في إجازته المكتوبة بعد سنة ٧٥٤هـ، للسيّد شمس الدّين محمّد بن جمال الدّين أحمد بن أبي المعالي الموسوي؛ كما في (الذريعة ١/٢٤٤-٢٤٥، رقم ١٢٩١؛ والحقائق الراهنة «طبقات أعلام الشيعة ٥/١٩٧-١٩٨»).

٣. وهو الشيخ السعيد شمس الدّين أبو عبد الله محمّد بن مكّي النبطي العاملي الحزّيني المشتهر بالشّهيد الأوّل عليه السلام؛ الشّهيد بقلعة من قلاع دمشق يوم الخميس تاسع جمادى الأولى سنة ٧٨٦هـ عن إثنين وخمسين سنة. لاحظ ترجمته في (الحقائق الراهنة «طبقات أعلام الشيعة ٥/٢٠٥-٢٠٧»؛ «الشّهيد الأوّل، حياته وآثاره» للمحقّق الشيخ رضا المختاري).

٤. قال في إجازته المكتوبة في ثاني عشر شهر رمضان المبارك من شهر سنة ٧٨٤هـ للشيخ زين الدّين أبي الحسن علي بن الخازن الحائري: «وأما مصتفات العامّة ومروياتهم؛ فإني أروي عن نحو من أربعين شيخاً من علمائهم بمكّة والمدينة ودارالسلام بغداد ومصر ودمشق وبيت المقدّس ومقام الخليل إبراهيم عليه السلام. لاحظ: (بحار الأنوار ١٠٤/١٩٠؛ خاتمة المستدرک ٢/٢١؛ و ٢/٣٠٣؛ الذريعة ١/٢٤٧، رقم ١٣٠٣).

٥. صرح به جماعة أوّلهم الشّهيد الثاني عليه السلام - كما ادّعى المصنّف في (خاتمة المستدرک ٢/٥). لاحظ عبارته في (الرعاية في علم الدراية ٢٦٣).

٦. «القاموس المحيط والقابوس الوسيط، الجامع لما ذهب من كلام العرب شماطيط»: لمجد الدّين محمّد بن يعقوب

«أنوار التنزيل»^٣، فقد تُشاهد أنّ الأصحاب بعد ذكر طرقهم إلى مصنفي كتبهم يذكرون طريقهم إلى كتب العامة حتّى ما ألفوه في النحو والتصريف والمنطق.

وإجازة الكبيرة لآية الله في العالمين العلامة الحليّ رحمته الله لأولاد بني زهرة قد حوت لذكر كثير منها، ومجلد الخامس والعشرين من البحار^٤ أصدّق شاهد لما قلنا^٥، ولولا إشتغالي بأمر موعود، وخروج الرسالة عن المقصود، لأشبعْتُ الكلام بذكر النقض والإبرام، ولذكرنا فوائد جليّة وشواهد جميلة^٦ فيما كتبوا وألفوه ودوّنوا وصنّفوه، حتّى يظهر للمُنصف ٢/ب / المستبَع في الآثار، العارف بأحوال العلماء الأبرار، أنّ إرتحال الأصحاب في الفيافي والبحار لم

الفيروزآبادي الشيرازي (٧٢٩ - ٨١٧). لاحظ حوله: (كشف الظنون ٢/١٣٠٦).

١. «تاج اللغة وصحاح العربية / الصحاح في اللغة»: لأبي نصر إسماعيل بن حماد الجوهري الفارابي (ت ٣٩٣ أو ٣٩٦). لاحظ حوله: (كشف الظنون ٢/١٠٧١).

٢. «الكشاف عن حقائق التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل»: لأبي القاسم محمود بن عمر الزمخشري الخوارزمي المعتزلي (٤٦٧ - ٥٣٨). لاحظ حوله: (كشف الظنون ٢/١٤٧٥).

٣. «أنوار التنزيل وأسرار التأويل» للقاضي ناصر الدين أبي سعيد عبد الله بن عمر البيضاوي الشافعي (ت ٦٨٥ أو ٦٩٢). لاحظ حوله: (كشف الظنون ١/١٨٦).

٤. هي إجازة كتبها العلامة الحليّ رحمته الله في خامس عشر من شعبان سنة ٧٢٣. فأوردها العلامة المجلسي رحمته الله بأسرها في (بحار الأنوار ١٠٤/٦٠-١٣٧). وطبعت مع تحقيق كاظم عبود الفتلاوي في كتاب مستقل بإسم (الإجازة الكبيرة) في النجف الأشرف سنة ١٤٢٦.

فالمجيز هو العلامة الشيخ جمال الدين أبو المنصور الحسن ابن سعيد الدين يوسف الحليّ (٦٤٨-٧٢٦). لاحظ ترجمته في (الحقائق الراهنة «طبقات أعلام الشيعة ٥٢/٥٤»). والمجازون خمسة؛ وهم: (١) السيّد علاء الدين أبو الحسن عليّ ابن إبراهيم بن محمّد بن أبي الحسن بن أبي المحاسن زهرة؛ (٢) ولده السيّد شرف الدين أبو عبد الله الحسين بن عليّ بن إبراهيم؛ (٣) أخوه السيّد بدر الدين أبو عبد الله محمّد بن إبراهيم؛ (٤) ابن أخيه السيّد أمين الدين أبو طالب أحمد بن محمّد بن إبراهيم؛ (٥) ابنه الآخر السيّد عزّ الدين أبو محمّد الحسن بن محمّد بن إبراهيم. فلاحظ: (الذريعة ١/١٧٦، رقم ٨٩٩).

٥. «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام» للعلامة المحدث الشيخ محمّد باقر المجلسي رحمته الله (١٠٣٧-١١١٠)؛ طبع لأول مرّة بعناية الحاج محمّد حسن الكمباني الإصفهاني - أمين دار الضرب بطهران - في خمسة وعشرين مجلداً، فالمجلد الأخير منه مختصّ بالإجازات التي صدرت عن المشايخ لتلاميذهم، وفيه تمام «فهرس منتخب الدين الرازي»، و«منتخب علماء الشيعة من سلافة العصر»، وأوائل «كتاب الإجازات» للسيّد ابن طوس، و«الإجازة الكبيرة» للعلامة الحليّ لبني زهرة، وإجازات الشهيد الأوّل، والشهيد الثاني، والمحقق الكركي، و صاحب المعالم، وغيرها من الإجازات. فلاحظ: (الذريعة ٤/١٦-٢٦، رقم ٤٣).

٦. في المخطوطة: «فوائد» و«شواهد»؛ والصحيح ما أثبتناه، لكونهما غير منصرفين.



يكن أمراً عبثاً يُنسب إليهم، فإنهم هم القرى الظاهرة التي أمرنا بالسير فيهم^١. ثم إن الإجازة من لدن أصحاب الأئمة إلى قريبٍ من عصرنا هذا، كانت مستعملة فيما اصطُلحها أصحابُ الدراية وأصول الأحاديث؛ وهي في الأصل مصدرٌ «أجاز»، وأصله «إجازة» تحرّكت الواو فتوهم إنفتاح ما قبلها فإنقلب ألفاً، فالتقى الساكنان الأصلية والزائدة، فحذفت أحدها على خلافٍ في تعيين المحذوف بين سيبويه^٢ والأخفش^٣. ولغة على ما نُقل في «وصول الأخبار»^٤ عن أحمد بن فارس^٥: «ماخوذة من جواز الماء الذي تُسقاها الماشية أو الحرث. تقول: استجرته فأجازني، إذا أسقاك ماءً لماشيتك أو أرضك». والظاهر أن قوله: «جواز الماء» من باب إضافة بعض الشيء إلى كلاً ك: «يُد زيد» و«عينُ زيد»، فالموصول جارٍ لهما لا للأخير. وأحتمل بعضهم^٦ كون الجواز منوناً، والماء إمّا خبرٌ للمحذوف هو، وهو المبتداء، أو

١. قال الله العظيم في كتابه الكريم: {وجعلنا بينهم وبين القرى التي باركنا فيها قرى ظاهرة وقدّرنا فيها السيّر سيراؤها ليالي وأياماً آمنين}. (سورة سبأ، الآية ١٨). وروى أبو حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام في إحتجاجه للحسن البصري؛ قال عليه السلام: «والقرى الظاهرة: الترسل والتقلّة عنّا إلى شيعتنا وفقهاء شيعتنا إلى شيعتنا». (الإحتجاج ٢/١٨٤). وفي رواية قال عبد الله بن سنان للإمام الصادق عليه السلام: جعلتُ فداك فأخبرني عن القرى الظاهرة. قال عليه السلام: «هم شيعتنا» - يعني العلماء منهم - . (تأويل الآيات ٢/٤٩٧؛ بحار الأنوار ٢٤/٢٣٥؛ البرهان ٣/٣٤٨، ح ٦؛ مستدرک الوسائل ٣/١٨٨، ح ١٨).

٢. وهو أبو البشر عمرو بن عثمان بن قنبر الملقب بسيبويه «رائحة التفاح»؛ ولد في بياض من أرض فارس، ونشأ بالبصرة، وأخذ عن الخليل ويونس وأبي الخطاب الأخفش وعيسى بن عمرو، وله «الكتاب» في علم الإعراب. توفي سنة ١٨٠. (معجم الأدباء ٤/٤٩٩، رقم ٤٩٩؛ البلغة ١٣٣، رقم ٢٥٦؛ بغية الوعاة ٢/١٩١-١٩٢، رقم ١٨٦٣). ولزيد الإطلاع لاحظ حوله: (مقدمة المحقق عبدالسلام محمد هارون على «الكتاب»؛ و«سيبويه يروى»؛ مجموعته مقالاتي درباره سيبويه و جایگاه علمی او) بعناية المحقق محمد الباهر.

٣. إذا قيل الأخفش - مجرداً عن وصف خاص - إنصرف إلى الأخفش الأوسط؛ وهو أبو الحسن سعيد بن مسعدة الجاشعي المعتزلي البصري؛ سكن البصرة وقرأ النحو على سيبويه وكان أسن منه، ولم يأخذ عن الخليل. توفي سنة ٢٠٧. (معجم الأدباء ٢/٣٨٢، رقم ٤٥٤؛ البلغة ٨٢، رقم ١٣٩؛ بغية الوعاة ١/٤٩٧-٤٩٨، رقم ١٢٤٤).

٤. لاحظ: (مغني اللبيب ٢/٦٢١، الباب الخامس؛ شرح التصريف ٤٣).

٥. لاحظ: (مغني اللبيب ٢/٦٢١، الباب الخامس؛ شرح التصريف ٤٣).

٦. في أصول الأخبار؛ تصنيف الشيخ عزّ الدين حسين بن عبدالصمد الحارثي - والد شيخنا البهائي - قدس الله سرهما. (منه).

٧. اعتمد المؤلف عليه السلام هنا بعبارة الشيخ الحارثي العاملي عليه السلام في «وصول الأخبار» (رسائل في دراية الحديث ١/٤٣٤)؛ فعلى هذا عبّر عن صاحب «معجم مقاييس اللغة» في المخطوطة ب: «حسين بن فارس»، وهذا من سهو القلم، لكونه «أبا الحسين أحمد بن فارس بن زكريّا الرازي»؛ فالصحيح ما أثبتناه. لاحظ عبارته في

مفعولٌ فهو أعني؛ وحينئذٍ فالموصولُ جارٍ للأخير، وما ذكرناه أوثقٌ للمراد وأقربُ إلى السداد. ولما كان إحياءُ القلوب الميتة وإنباتُ أراضي القابليات والمهتية، متوقفاً على العلم الذي هو حياة كلِّ شيء، بل النور الذي [يقذفه الله في قلبٍ من يشاء] ٢؛ ٣/أ والخلافُ وهي على أضراب أعلاها أن يميزَ معيناً لمعين ك: «أجزتُك كتابي هذا» أو «ما اشتمل فهرستي» أو «فهرست الفلاني»، وهذا القسم لا خلاف فيه وأدعاه جماعة ٣، وباقي الأقسام مختلفٌ فيها بالشدّة والضعف.

ولما كان تحمّلُ الأثر بالسماعِ أولى وأجدر، فمن أراد دركَ فضله ولم يتحمّلِ صعباً، فليعمل بما زوَّيناه عن محمّد بن يعقوب الكليني عن محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد وحمّد بن الحسين عن ابن محبوب عن عبد الله بن سنان قال: قلتُ لأبي عبد الله عليه السلام: «بيئني القومُ فيستمعون مني حديثكم فأضجروا ولا أقوى، قال: فإقرأ عليهم من أوله حديثاً، ومن وسطه حديثاً، ومن آخره حديثاً» ٥.

[مناقشة في اعتبار بعض الإجازات]

أقول: وقريبٌ من عصرنا هذا - وما أحسبه أكثر من مائة سنة -، استعملت الإجازة في معنى آخر غير ما ذكرناه وبيّناه، وهو تصديقُ أهلية الفتية والقضاء وإجراء الأحكام والحدود، فلو أحسَّ العالمُ في أحدٍ هذه القوّة، وهي قوّة استنباطِ المسائل واستخراج الأحكام من المدارك

(معجم مقاييس اللغة ١/٤٩٤، «جوز»).

١. قال النبي صلى الله عليه وآله: «إن الله عزوجل يقول: تذاكر العلم بين عبادي، مما تحيي عليه القلوب الميتة إذا انتهوا فيه إلى أمري». (بحار الأنوار ١/٢٠٣).

٢. إضافة يقتضها السياق.

٣. نقله الشهيد الثاني رحمته الله في (الرعاية ٢٦٥).

٤. هو وثقة الإسلام أبو جعفر محمّد بن يعقوب الكليني رحمته الله: توفي بيغداد سنة ٣٢٩. (رجال النجاشي ٣٧٧، رقم ١٠٢٦).

قال الفيروزآبادي في ضبط كلمة «كلين»: «...كأمير، قرية بالري؛ منها محمّد بن يعقوب الكليني من فقهاء الشيعة». (القاموس المحيط ٤/٢٦٣). لكنّه ردّ عليه الشيخ صدر الإسلام الهمداني رحمته الله (١٢٧٥-١٣٢٥ق) في كتابه «فهرس الصدريّة» بقوله: «...أبو جعفر محمّد بن يعقوب الكليني - مصغراً وتخفيف اللام -، المنسوب إلى كلين - كزبير - قرية من قرى فشاوية التي هي إحدى كور الري، وفيه قبر أبيه «يعقوب»؛ لا مكبرا - كأمير - الذي هو قرية من ورامين، كما زعمه الفيروزآبادي». لاحظ (ميراث حديث شيعه ١١/٤٩٦).

٥. (الكافي ١/٥١-٥٢، كتاب فضل العلم، باب رواية الكتب والحديث وفضل الكتابة والتمسك بالكتب، ح ٥).

التي هي معيارُ الإجتهد وملاكُ الفقاهاة، يميزه أي يصدّقه ويشهد بوجودِ هذه القوّة فيه، و شاع هذا المعنى بين المحصّلين حتّى في ظنّ نَبذةٍ منهم أنّ شخصاً لو لم يكن له هذه الإجازة فليس بعالم وإن برز منه ما يبرز عن الفحول، وإستمر بينهم بحيث نبذوا/ ٣ ب / المعنى الأوّل، ورائهم ظهرياً، ولقد جاؤ شيئاً قريباً، إذ ما يتخيّل له من الثمرة [إلا] إعلام الغير وغايته جذبُ القلوب وحاصله تحصيلُ المعاش، وإلّا فاللذي إطمئن بنفسه وعلمَ بوجودِ القوّة فيه أي داع دعاه إلى أن يستجيز، ومن العيان المنبئ لأهل الإيقان بعدم الفائدة والجدوى في الإجازة بهذا المعنى، إخفاءه على الأقدمين، فلو كان له ثمة لكان عندهم أبين من البدر، وهو أخفى من ليلة القدر.

وإتني مع كثرة تتبعي وإطلاعي ولوعني في تحصيل إجازاتهم ما شاهدتُ لتلك الإجازة عيناً ولا أثراً، وقد رأيتُ منها أكثرَ من أن يُحصى، وذاكرتُ شيخنا المتتبع الماهر المحقق الورع الربّاني العلامة الثاني الشيخ عبدالحسين الطهراني أدام الله إعزازه^٢، فأعترف بمحدوثها وعدم وجودها في أعصار الماضين، وقال أدام الله توفيقه وتسديده: «إلّا كلاماً في إجازة الشهيد الثاني^٣ للشيخ حسين بن عبدالصمد الحارثي^٤، وأظنه مازحاً بهذا الكلام بهم أو طاعناً عليهم، وإلّا فما فيها، لا ربطَ له للمدعي».

ولنذكره حتى ينظره من ليس له جهل ولا غباوة، ولم يجعل الله على بصره غشاوة؛ قال الله

١. إضافة يقتضها السياق.

٢. هو شيخه في الإجازة الشيخ عبدالحسين بن علي الطهراني الشهير بشيخ العراقين (المتوفى في اليوم الثاني والعشرين من شهر رمضان سنة ١٢٨٦). لاحظ حوله: (خاتمة المستدرک ١١٤/٢؛ تكملة أمل الأمل ٢٢٨/٣ - ٢٣١؛ الكرام البررة «طبقات أعلام الشيعة ٧١٣/١١»؛ سفينة البحار ٢٠/٦). ويعلم من دعائه له: (أدام الله إعزازه) و (أدام الله توفيقه وتسديده)، أنه صنّف هذه الرسالة في أيام حياة شيخه المذكور، وهذا قبل سنة ١٢٨٦. ولقد أشرنا - مختصراً - إلى هذا المطلب في المقدمة باللغة الفارسيّة.

٣. هو الشيخ زين الدين ابن نور الدين علي ابن الحاجة ابن أحمد ابن جمال الدين بن تقي الدين صالح بن مشرف الشامي العاملي المشتهر بالشهيد الثاني (٩١١-٩٦٦). ترجم له الشيخ آقابزرگ الطهراني (إحياء الدائر «طبقات أعلام الشيعة ٩٠/٧»).

٤. هو الشيخ عزّ الدين حسين بن عبدالصمد الجبعي الحارثي الهمداني العاملي (الوالد الشيخ الهائي) - (٩١٨-٩٨٤). فلاحظ ترجمته في (إحياء الدائر «طبقات أعلام الشيعة ٦٢/٧»؛ مقدّمة الأستاذ المحقق السيّد محمّد رضا الحسيني الجلاللي على «وصول الأخيار»).

٥. قد يستعمل المزح بمعنى التلطف كما ببالي. ولعله كان: «مادحاً». والله العالم.

بعد الحمد والصلوة: «ثُمَّ إِنَّ الْأَخَّ فِي اللَّهِ الْمُصْطَفَى فِي الْأَخْوَةِ، الْمُخْتَارِ فِي الدِّينِ، [و] الْمُرْتَقَى عَنْ حَضِيضٍ / ٤ أ / التَّقْلِيدِ إِلَى أَوْجِ اليَقِينِ، الشَّيْخِ [الإمام] الْعَالِمِ الْأَوْحَدِ، ذ[ا] النَّفْسِ الطَّاهِرَةِ الطَّاهِرَةِ الزَّكِيَّةِ، وَالهَمَّةِ الْبَاهِرَةِ الْعَلِيَّةِ، وَالأَخْلَاقِ الزَّاهِرَةِ الْإِنْسِيَّةِ، عَضُدِ الْإِسْلَامِ وَالمُسْلِمِينَ، عَزَّ الدُّنْيَا وَالدِّينَ، حَسِينِ [إ] بنِ الشَّيْخِ ... إِلَى آخِرِ مَا قَالِ». ثُمَّ شَرَعَ ﷺ فِي ذِكْرِ طَرَقِهِ ٣.

وَأنتَ خَيْرٌ بَأَنَّ النِّزَاعَ لَيْسَ فِي حَدُوثِ هَذِهِ الْأَلْفَاظِ أَي لَفْظِ الْإِجْتِهَادِ وَالتَّقْلِيدِ وَالمُجْتَهَدِ وَالمَقْدَدِ، أَوْ إندِرَاجِهَا فِي طَيِّ ذِكْرِ المَدَائِحِ وَالصِّفَاتِ؛ وَلِعَمْرِي لَقَدْ أَفْرَطُوا [إ] فِي شِيَاعِهِ أَفْرَاطِ المَثْلِيمِ، وَخَرَجُوا [إ] الهَجَرَ الْأَوَّلَ عَنِ السَّنَنِ المُسْتَقِيمِ ٥، فَفَقَعُوا مِنَ المَاءِ بِالسَّرَابِ، وَمن [المطرب] ٦ بِالسَّحَابِ. إِنَّ هَذَا العِبْرَةَ لِأَوْلَى الْأَلْبَابِ.

وَالمَخْطَبُ الهَائِلُ وَالمَحَادِثُ الغَائِلُ ٧، أُنَّ مِنْ هَوَلَاءِ المَحْضَلِينَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ حَقٌّ فِي العِلْمِ، وَلا دُرْبَةٌ ٨ فِي الرِّسُومِ، إِذْ أُتِلَتْ عَلَيْهِمُ أَنْ لِلإِجَازَةِ مَعْنَى آخَرَ - وَهُوَ الشَّائِعُ بَيْنَ الْأَصْحَابِ وَلا زَالَ يَضْرِبُونَ فِي الفِيَا فِي وَالبِحَارِ وَيسَافِرُونَ فِي البَرَارِي وَالصَّحَارِ، لِأَخْذِهَا وَإِكْثَارِهَا. وَرَبَّمَا يَنْفِقُونَ فِيهَا شَطْرًا مِنَ الْأَمْوَالِ، وَيعْظَمُونَهَا وَيعِدُّونَهَا مِنَ المُؤَكَّدَاتِ، وَيعْجَلُونَ فِي طَلِبِهَا قَبْلَ الفَوَاتِ.

قَالَ أَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى / ٤ ب / - وَهُوَ مِنْ أَجْلَاءِ أَصْحَابِنَا - «خَرَجْتُ إِلَى الكُوفَةِ فِي طَلَبِ المَحَدِيثِ فَلَقِيتُ بِهَا الحَسَنَ بْنَ عَلِيِّ الوَثَّاءِ فَسَأَلْتُهُ أَنْ يُخْرِجَ إِلَيَّ كِتَابَ العِلَّاءِ بْنِ رَزِينِ القَلَّاءِ وَأَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ الْأَحْمَرَ فَأَخْرَجَهُمَا إِلَيَّ، فَقُلْتُ لَهُ: أَحَبُّ أَنْ تُجَيِّزَهُمَا لِي. فَقَالَ [لِي] ٩: يَا

١. ما بين المعقوفتين زيادةٌ من بحار الأنوار.

٢. ما بين المعقوفتين زيادةٌ من بحار الأنوار وخاتمة المستدرک.

٣. هي إجازة كتبها الشهيد ﷺ ليلة الخميس ثالث جمادى الآخرة سنة ٩٤١. فلاحظ: (الذريعة ١/١٩٣، رقم ١٠٠٢). أوردتها المحدث الخبير العلامة المجلسي ﷺ بأسرها في (بحار الأنوار ١٠٥/١٤٦-١٧١)، وأيضاً نقل عنها المؤلف ﷺ موضع الحاجة في (خاتمة المستدرک ٢/٢٣٢-٢٣٣).

٤. في المخطوطة: «هذا»؛ والصحيح ما أثبتناه.

٥. في المخطوطة - لأجل رعاية السجع - : «المستقيم»؛ والصحيح «المستقيمة» كما تقتضيه الضوابط الأدبية.

٦. ما بين المعقوفتين زيادةٌ متناً، لإكمال المتن والمعنى.

٧. «الهائل»؛ مخوف ذو هول. (المصباح المنير ٥٠، «هول»). «الغائل»؛ - مذكر الغائلة - : الفساد والشر. (المصدر ٣٥٣، «غاله»).

٨. «الدربة»؛ التجربة والعادة. (المحيط في اللغة ٩/٢٩٤؛ معجم مقاييس اللغة ٢/٢٧٤، «درب»).

٩. ما بين المعقوفتين زيادةٌ من رجال النجاشي.



رحمك الله، وما عجلتك؟!؛ اذهب فأكتبهما وإسمع من بعد. فقلت: لا آمن الحدثنان. فقال^١:
 لو علمت أن هذا الحديث يكون له هذا الطلب لأستكثر منه، فإني أدركت في هذا المسجد
 تسعمائة شيخ كل يقول: حدّثني جعفر بن محمد عليهما السلام^٢. فإن هذين الكتّابين بالنسبة
 إليه ككتب الأربعة - مثلاً - بالنسبة إلينا، بل وأظهر بقرب عهدهم زادهم تعجباً وإنكاراً، -
 فرجعوا كأنهم يستهزئون؛ الله يستهزئ بهم ويمدّهم في جهلهم يعمهون^٣.
 ولله درّ شيخنا الأتقن السعيد الشيخ حسن بن الشهيد رحمهما الله^٤ حيث قال في إجازته
 الكبيرة للسيد نجم الدين بن السيد محمد الحسيني^٥: «وقد كان للسلف الصالح رضوان الله
 عليهم مزيداً يعتناءً بشأنه، وشدة إهتمام بروايته وعرفائه، فقام بوظيفته منهم في كل [عصر]^٦
 من تلك الأعصار أقوامٌ بذلوا في رعايته جهدهم، وأكثر [و]أفي ملاحظته كيدهم^٧ وكدهم،
 فلله درّهم، إذ عرفوا من قدره ما عرفوا، وصرفوا إليه من وجوه الهمم ما صرفوا. ثمّ خلف
 من بعدهم خلف أضاعوا حقّه^٨، وجهلوا قدره، فإقتصروا من روايته على أدنى مراتبها، وأقوا
 حبل درايته على غاربها. وإستمرت / ٥ أ/ الحال [كذلك]^٩ زماناً عظمت فيه مجالسه ودرسه^{١٠}،
 وأشفي من طول هجرة دروسه». إنتهى كلامه أعلى الله مقامه^{١١}.

١. في المخطوطة: «فقلت»؛ والصحيح ما أثبتناه، كما في رجال النجاشي.

٢. لاحظ: (رجال النجاشي ٣٩-٤٠، رقم ٨٠).

٣. قال الله تعالى: {الله يستهزئ بهم ويمدّهم في طغيانهم يعمهون}. (سورة البقرة، الآية ١٥).

٤. وهو الشيخ أبو منصور جمال الدين الحسن بن زين الدين العاملي المشتهر بـ «صاحب المعالم» (٩٦٥-١٠١١).
 وله «متقى الجمال في الأحاديث الصحاح والحسان» و«التحرير الطاووسي» و«معالم الدين وملاذ
 المجتهدين». لاحظ ترجمته في (الروضة النضرة «طبقات أعلام الشيعة ٨/١٤٦-١٤٧»؛ مقدّمة المحقّق الشيخ
 عبدالحسين محمد علي بقال على «معالم الدين»).

٥. هو السيد الفاضل العالم الصالح المعاصر للمحدّث الشيخ الحرّ العاملي رحمته الله؛ له رسالة في السهو وأحكامه، سمّاها
 «تحفة الملوك في أحكام الشكوك»، و«شرح أرجوزة في النحو» للشيخ حسين العاملي، و«رسالة في الكلام»، و
 غير ذلك. لاحظ ترجمته في (أمل الآمل ٢/٣٣٤، رقم ١٠٣١).

٦. ما بين المعقوفتين زيادة من بحار الأنوار.

٧. هكذا في المخطوطة؛ وفي بحار الأنوار: «كدهم».

٨. في المخطوطة: «خلفوا»؛ والصحيح ما أثبتناه، كما في بحار الأنوار. وهي (الآية ٥٩ من سورة مريم).

٩. ما بين المعقوفتين زيادة من بحار الأنوار.

١٠. هكذا في المخطوطة؛ وفي بحار الأنوار «دروسه».

١١. هي إجازة كتبها صاحب المعالم رحمته الله للسيد نجم الدين بن السيد محمد الحسيني الجزائري ولولديه السيد أبي

[نهاية المطاف]

أقول: ليته قال: {ثم يأتي من بعد ذلك عامٌ فيه يغاثُ الناسُ وفيه يعصرون}، وهو عهدنا الذي لا نُشاهد فيه من رام أخذَ الرواية بأدنى مراتبها - الذي يظهر من كلام الشيخ عدم هجرة في عصره - وهو الإجازة؛ إلا القليل ممن عرفوا التبر من الرغام^٢، والصوء من الظلام، كالأوحد الذكي الزكي الألمي، العدل البدل، ذي الفضل الظاهر، والعلم الزاخر، المتثبت بآثار أهل اليقين، والمتسمك بأخبار الصادقين، مصدر التفضيل، ومرجع الأفاضل، الحافظ البارع، والفرد الجامع، واحد الأعيان، وأوحد الزمان، حامل الأسرار، وحائز الإعتبار، المولى الأعز الأجد، الورع التقى الرباني، والرضي المرضي، الأديب الأريب الأيد، المسدد المؤيد بالتفيس الرحماني...^٣ - أطال الله بقاءه وحفظه من كل سوء ووقاه - فإنه زيد فضله كثيراً ما راودني لمذاكرة الأخبار وتصحيحها وتهذيبها وتنقيح مبانيها ومعانيها، وقد أشار إلى منامه على أن أدخله في سلسلة من تقدمنا من العلماء، وأجيز له رواية آثار أئمة الهدى [عليهم السلام] ٥/ب/.



عبدالله محمّد والسيد أبي الصلاح علي. ولم يذكر في ختامها تاريخ الإجازة. لاحظ (الذريعة ١/١٧٢، رقم ٨٦٤). وأوردها بأسرها العلامة المجلسي في (بحار الأنوار ١٠٦/٣ - ٧٩).

١. (سورة يوسف، الآية ٤٩).

٢. «التبر»: قال الخليل (م ١٧٥) والصاحب بن عباد (م ٣٨٥): «التبر: الذهب والفضة قبل أن يعملها» (العين ١١٧/٨؛ المحيط في اللغة ٩/٤٢٩، «التبر»). «الرغام»: قال الخليل (م ١٧٥): «الرغام: ليس بترب خالص ولا يرمل خالص» (العين ٤/٤١٧، «رغم»); وقال الثعالبي (م ٤٢٩): «الرغام: التراب المختلط بالرمل» (فقه اللغة ٣٠٩).

٣. هكذا في الأصل.

٤. أي باشرني وباحثني.

كتابنامه

١. الإحتجاج على أهل اللجاج: أبو منصور أحمد بن علي بن أبي طالب الطبرسي (من علماء القرن السادس)؛ تحقيق الشيخ إبراهيم البهادري، الشيخ محمد هادي به؛ دار الأسوة - قم، ط ٧، ١٤٣٠ ق.
٢. الأعلام: خير الدين الزكلي الدمشقي؛ بيروت - ط ٢.
٣. أعيان الشيعة: السيد محسن الأمين العاملي (١٢٨٤-١٣٧١ ق)؛ حققه وأخرجه ولده الدكتور السيد حسن الأمين؛ دار التعارف للمطبوعات - بيروت، ١٤٠٣ ق / ١٩٨٣ م.
٤. الأُمالي: أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المشتهر بالصدوق (م ٣٨١ ق)؛ مطبعة الكتاجي - طهران، ط ٦، ١٣٧٦ ش.
٥. أمل الأمل في علماء جبل عامل: محمد بن الحسن الحر العاملي (م ١١٠٤ ق)؛ تحقيق السيد أحمد الحسيني الإشكوري؛ مطبعة الآداب - النجف، ط ١، ١٣٨٥ ق.
٦. البرهان في تفسير القرآن: السيد هاشم البحراني (م ١١٠٧ ق)؛ مؤسسة إسماعيليان - قم، ط ٣.
٧. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام: محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (م ١١١٠ ق)؛ مؤسسة الوفاء - بيروت، ط ٢، ١٤٠٣ ق / ١٩٨٣ م.
٨. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام: أبو جعفر محمد بن الحسن بن فروخ الصفار القمي (م ٢٩٠ ق)؛ تحقيق الميرزا محسن الكوجه باغي التبريزي؛ منشورات مكتبة آية الله المرعشي النجفي - قم، ط ٢، ١٤٠٤ ق.
٩. بغية الوعاة في طبقات اللغويين والنحاة: جلال الدين بن عبد الرحمن السيوطي (م ٩١١ ق)؛ تحقيق محمد أبو الفضل إبراهيم؛ المكتبة العصرية - بيروت، ط ١، ١٤٢٧ ق / ٢٠٠٦ م.
١٠. البلغة في تاريخ أئمة اللغة: مجد الدين محمد بن يعقوب الفيروزآبادي (م ٨١٧ ق)؛ تحقيق بركات يوسف هتود؛ المكتبة العصرية - بيروت، ط ١، ١٤٢٢ ق / ٢٠٠١ م.
١١. تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام: شمس الدين محمد الذهبي (م ٧٤٨ ق)؛ تحقيق جماعة المحققين؛ المكتبة التوفيقية - القاهرة.

١٢. **تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة** عليه السلام: السيد شرف الدين علي الحسيني الأسترآبادي (من أعلام القرن العاشر)؛ تحقيق مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام - قم، ط ٢، ١٤٣٣ ق.
١٣. **التراث العربي المخطوط في مكتبات إيران العامة**: السيد أحمد الحسيني الإشكوري؛ منشورات دليل ما - قم، ط ١، ١٤١٣ ق / ٢٠١٠ م.
١٤. **التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري** عليه السلام: الإمام الحسن بن علي العسكري عليه السلام (م ٢٦٠ ق)؛ تحقيق مدرسة الإمام المهدي عليه السلام - قم، ط ١، ١٤٠٩ ق.
١٥. **تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة**: محمد بن الحسن الحرّ العاملي (م ١١٠٤ ق)؛ مؤسّسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث - قم، ط ١، ١٤٠٩ ق.
١٦. **تكملة أمل الأمل**: السيد حسن الصدر الكاظمي (١٢٧٢-١٣٥٤ ق)؛ تحقيق الدكتور حسين علي محفوظ البغدادي، عبد الكريم الدبّاغ، عدنان الدبّاغ؛ دار المورخ العربي - بيروت، ط ١، ١٤٢٩ ق / ٢٠٠٨ م.
١٧. **خاتمة مستدرک الوسائل**: الميرزا حسين النوري الطبرسي (١٢٥٤-١٣٢٠ ق)؛ تحقيق: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث - قم، ط ١، ١٤١٥ ق.
١٨. **الدرر البیّة في تراجم علماء الإمامية**: السيد محمد صادق بحر العلوم (م ١٣٩٩ ق)؛ حقّقه وعلّق عليه ووضع فهرسه وحدة التحقيق في مكتبة العتبة العباسية المقدّسة بإشراف أحمد علي مجيد الحلّي؛ مؤسّسة الأعلمي - كربلاء وبيروت، ط ١، ١٤٣٤ ق / ٢٠١٣ م.
١٩. **الذريعة إلى تصانيف الشيعة**: الشيخ آقا بزرك الطهراني (١٢٩٣-١٣٨٩ ق)؛ مطبعة الغري - النجف، ط ١، ١٣٥٥ ق.
٢٠. **رجال النجاشي**: أبو العباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس النجاشي الأسدي الكوفي (م ٤٥٠ ق)؛ تحقيق السيد موسى الشيبيري الزنجاني؛ مؤسّسة النشر الإسلامي التابعة لجامعة المدرّسين بقم المشرفة، ط ١٠، ١٤٣٢ ق.
٢١. **رسائل في دراية الحديث**: إعداد أبو الفضل حافظيان البابلي؛ مطبعة دار الحديث - قم، ط ٢، ١٤٢٨ ق / ١٣٨٦ ش.
٢٢. **الرعاية في علم الدراية**: زين الدين بن علي العاملي المعروف بالشهيد الثاني (٩١١-٩٦٥ ق)؛ تحقيق عبد الحسين محمد علي بقال؛ منشورات مكتبة آية الله المرعشي النجفي - قم،

ط ١، ١٤٠٨ ق.

٢٣. **روضات الجنّات في أحوال العلماء والسادات:** السيّد محمّد باقر الموسوي الخوانساري الإصفهاني (١٢٢٦-١٣١٣ ق)؛ عنيت بنشره مكتبة إسماعيليان - قم، ١٣٩٠ ق.
٢٤. **رياض العلماء وحياض الفضلاء:** الميرزا عبد الله الأفندي الإصفهاني (من أعلام القرن الثاني عشر)؛ تحقيق السيّد أحمد الحسيني الإشكوري؛ مطبعة الحيتام - قم، ١٤٠١ ق.
٢٥. **ريحانة الأدب في تراجم المعروفين بالكنية واللقب:** ميرزا محمّد علي مدرّس تبريزي (١٢٩٦-١٣٧٣ ق)؛ مكتبة حيتام - طهران، ١٣٦٩ ش.
٢٦. **سفينة البحار ومدينة الحكم والأمان:** الشيخ عباس القمي (م ١٣٥٩ ق)؛ دار الأسوة - قم، ط ١، ١٤١٤ ق.
٢٧. **سير أعلام النبلاء:** شمس الدّين محمّد الذهبي (م ٧٤٨ ق)؛ تحقيق نزيير حمدان، و أشرف على تحقيقه وخرّج أحاديثه شعيب الأرنؤوط؛ مؤسّسة الرسالة - بيروت، ط ١١، ١٤١٩ ق / ١٩٩٨ م.
٢٨. **شرح التصريف:** سعد الدّين عمر التفتازاني (م ٧٩١ ق)؛ تحقيق محمّد محيي الدّين عبد الحميد؛ مطبعة الإستقامة - مصر، ١٣٥٣ ق / ١٩٣٤ م.
٢٩. **صفات الشيعة:** أبي جعفر محمّد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المشتهر بالصدوق (م ٣٨١ ق)؛ مطبعة الأعلمي - طهران، ط ١، ١٣٦٢ ش.
٣٠. **طبقات أعلام الشيعة:** الشيخ آقا بزرك الطهراني (١٢٩٣-١٣٨٩ ق)؛ قدّم عليه ولده الدكتور علي نقّي المنزوي؛ دار إحياء التراث العربي - بيروت، ط ١، ١٤٣٠ ق / ٢٠٠٩ م.
٣١. **الطبقات الكبرى:** ابن سعد (م ٢٣٠ ق)؛ دار صادر - بيروت، ١٣٨٠ ق / ١٩٦٠ ق.
٣٢. **علماء معاصرين:** ميرزا علي خياباني تبريزي (١٢٨٢-١٣٦٦ ق)؛ مطبعة اسلاميه - طهران، ١٣٦٦ ق.
٣٣. **عمدة الطالب في أنساب آل أبي طالب** السيّد جمال الدّين أحمد بن علي المشتهر بابن عتبة (م ٨٢٨ ق)؛ تحقيق السيّد محمّد حسن آل الطالقاني؛ مطبعة الحيدريّة - النجف الأشرف، ط ٢، ١٣٨٠ ق / ١٩٦١ م.
٣٤. **فقه اللغة:** أبو منصور عبد الملك بن محمّد بن إسماعيل الثعالبي (م ٤٢٩ ق)؛ تحقيق الدكتور جمال طلبة؛ دار الكتب العلمية - بيروت، ط ١، ١٤١٤ ق.

۳۵. [الفوائد الرضوية في أحوال علماء المذهب الجعفرية: شيخ عباس قمي (۱۲۹۴-۱۳۵۹ ق)؛ بدون مشخصات کتابشناسی.
۳۶. فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی: سید محمود مرعشی نجفی با همکاری گروه فهرستگاران کتابخانه؛ منشورات کتابخانه آیت الله مرعشی - قم، ط ۱، ۱۳۸۳ ش / ۱۴۲۵ ق / ۲۰۰۴ م.
۳۷. فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی: سید جعفر و سید صادق حسینی اشکوری؛ زیر نظر سید احمد حسینی اشکوری؛ چاپ کوثر - قم، ط ۱.
۳۸. فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنا): مصطفی درایتی؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی - تهران، ط ۱، ۱۳۹۰ ش.
۳۹. القاموس المحيط: محمد الدین محمد بن یعقوب الفيروزآبادی (م ۸۱۷ ق)؛ دار الجیل - بیروت.
۴۰. الکافی: ابو جعفر محمد بن یعقوب الكليني الرازي (م ۳۲۹ ق)؛ صححه وقابله الشيخ نجم الدين حسن الآملي؛ قدم له وعلق عليه علي أكبر الغفاري، محمد الآخوندي؛ دار الكتب الإسلامية - طهران، ط ۴، ۱۴۰۷ ق.
۴۱. کتاب شیعه (ویژه نامه اجازات؛ ش ۷ و ۸): مؤسسه کتابشناسی شیعه - قم، ط ۱، بهار تازمستان ۱۳۹۲ ش.
۴۲. کتاب العین: الخلیل بن أحمد الفراهيدي (م ۱۷۵ ق)؛ تحقیق الدكتور مهدي الخزومي، الدكتور ابراهيم السامرائي؛ دار الهجرة - قم، ط ۲، ۱۴۰۹ ق.
۴۳. [کتاب] من لا یحضره الفقیه: أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المشتهر بالصدوق (م ۳۸۱ ق)؛ صححه وعلق عليه علي أكبر الغفاري؛ مؤسسه النشر الإسلامية التابعة لجامعة المدرسين بقم المشرفة، ط ۲، ۱۴۱۳ ق.
۴۴. کشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون: مصطفی بن عبد الله المشتهر: حاجي خليفه الكاتب الحلبي (۱۰۱۷-۱۰۶۷ ق)؛ قدم عليه آية الله السيد شهاب الدين المرعشي النجفي؛ صححه محمد شرف الدين يالتقايا، المعلم رفعت بيگلہ الكليسي؛ دار احیاء التراث العربي - بیروت.
۴۵. الکنى والألقاب: الشيخ عباس القمي (۱۲۹۴-۱۳۵۹ ق)؛ صححه وطبعه حسن

- الحسيني اللواساني النجفي؛ مطبعة العرفان - صيدا، ط ١، ١٣٥٨ ق / ١٩٣٩ م.
٤٦. **كجنيئة دانشمندان**؛ شيخ محمد شريف رازي؛ طهران وقم، ١٣٥٢ - ١٣٧٠ ش.
٤٧. **المحيط في اللغة**؛ كافي الكفاة صاحب إسماعيل بن عباد (م ٣٨٥ ق)؛ تحقيق الشيخ محمد حسن آل ياسين؛ عالم الكتب - بيروت، ط ١، ١٤١٤ ق.
٤٨. **مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر** عليه السلام **ودلائل الحجج على البشر**؛ السيد هاشم البحراني (م ١١٠٧ ق)؛ مؤسسة المعارف الإسلامية - قم، ط ١، ١٤١٣ ق.
٤٩. **مرآة الشرق**؛ الشيخ صدر الإسلام محمد أمين الإمامي الخويي (١٢٦٤ - ١٣٢٦ ش)؛ تصحيح وتقديم الشيخ علي الصدرائي الخويي؛ منشورات مكتبة آية الله السيد المرعشي النجفي - قم، ط ١، ١٤٢٧ ق / ١٣٨٤ ش / ٢٠٠٦ م.
٥٠. **مرآة الكتب**؛ ثقة الإسلام التبريزي (١٢٧٧ - ١٣٢٠ ق)؛ تحقيق محمد علي الحائري؛ منشورات مكتبة آية الله السيد المرعشي النجفي - قم، ط ١، ١٤١٨ ق / ١٣٧٦ ش.
٥١. **المزار الكمين**؛ أبو جعفر محمد بن جعفر المشهدي (م ٦١٠ ق)؛ تحقيق جواد القيومي الإصفهاني؛ مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ط ١، ١٤١٩ ق.
٥٢. **مستدركات أعيان الشيعة**؛ الدكتور السيد حسن الأمين العاملي؛ دارالتعارف للمطبوعات - بيروت، ط ٢، ١٤١٨ ق / ١٩٩٨ ق.
٥٣. **مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل**؛ الميرزا حسين النوري الطبرسي (م ١٣٢٠ ق)؛ مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث - قم؛ ط ١، ١٤٠٨ ق.
٥٤. **المسلسلات في الإجازات**؛ جمعه السيد محمود المرعشي؛ منشورات مكتبة آية الله السيد المرعشي النجفي - قم، ط ١، ١٤١٦ ق.
٥٥. **المصباح المنير في غريب الشرح الكمين**؛ أحمد بن محمد بن علي المغربي الفيومي (م ٧٧٠ ق)؛ تحقيق أحمد عزو عناية؛ دار إحياء التراث العربي - بيروت، ط ١، ١٤٣٠ ق / ٢٠٠٩ م.
٥٦. **معارف الرجال في تراجم العلماء والأدباء**؛ الشيخ محمد حرزالدین نجفي (١٢٧٣ - ١٣٦٥ ق)؛ علّق عليه حفيده محمد حسين حرزالدین؛ منشورات مكتبة آية الله السيد المرعشي النجفي - قم، ط ١، ١٤٠٥ ق.
٥٧. **معجم المؤلفين**؛ عمر رضا كحالة؛ دار إحياء التراث العربي - بيروت، ١٣٧٦ ق / ١٩٥٧ م.
٥٨. **معجم المؤلفين العراقيين في القرنين التاسع عشر والعشرين**؛ كوركيس عواد؛ مطبعة

- الإرشاد - بغداد، ١٩٦٩ م.
٥٩. معجم الأدباء: أبو عبدالله ياقوت بن عبدالله الرّومي الحموي (م ٦٢٦ ق)؛ دار الكتب العلمية - بيروت، ط ١، ١٤١١ ق / ١٩٩١ م.
٦٠. معجم مقاييس اللغة: أبو الحسين أحمد بن فارس بن زكريا الرازي (م ٣٩٥ ق)؛ تحقيق و ضبط عبدالسلام محمد هارون؛ مكتب الاعلام الإسلامي - قم، ط ١، ١٤٠٤ ق.
٦١. مغني اللبيب عن كتب الأعراب: جمال الدين ابن هشام الأنصاري (م ٧٦١ ق)؛ حققه و علّق عليه الدكتور مازن المبارك، محمد علي حمد الله، و راجعه سعيد الأفغاني؛ مؤسّسة [الإمام] الصادق عليه السلام - طهران، ط ١، ١٣٧٨ ش.
٦٢. مكارم الأمان: ميرزا محمد علي معلّم حبيب آبادي (١٣٠٨-١٣٩٦ ق)؛ تحقيق سيّد محمد علي روضاتي اصفهاني؛ انتشارات كلّ فرهنگ و هنر - اصفهان.
٦٣. منية المرید في أدب المفيد والمستفيد: زين الدين بن علي العاملي المعروف بالشهيد الثاني (٩١١-٩٦٥ ق)؛ تحقيق رضا المختاري؛ مكتب الإعلام الإسلامي - قم، ط ١، ١٤٠٩ ق / ١٣٦٨ ش.
٦٤. مناقب آل أبي طالب عليه السلام: أبو جعفر رشيد الدين محمد بن علي بن شهر آشوب السروي المازندراني (م ٥٨٨ ق)؛ مؤسّسة انتشارات علامة - قم، ط ١، ١٣٧٩ ق.
٦٥. ميراث حديث شيعه: بكوشش مهدي مهريزي، علي صدرائي خويي؛ مؤسّسة علمي فرهنگي دار الحديث - قم، ط ١.
٦٦. هدية العارفين في أسماء المؤلفين و آثار المصنّفين: إسماعيل پاشا البغدادي؛ صحّحه محمد شرف الدين يالتقايا، المعلّم رفعت بيگله الكليسي؛ دار احياء التراث العربي - بيروت.

وقف كتابها
مرعشي نجفی - ايران

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

محمد بن الفضل آيينه زودنا بالمسئل المرسلة الوجود وفضل مدادها لنا على ما من قتل السائل
والمشهور المدرج في صحاح نور يقذفه في قلب من يزيد والمأخوذ في حسانهم نازن شجرة بلك
لا يبس يد اودع في قلوبهم حجابا ردهم عن نهر الدنيا وريهما واكره في صدورهم لبا
برجال الاتيمهم تجار سا ولا بيعها حيا منقطع ولما يقف دونه همه كل حانه ويحرق في
ذوات كل شيطان بارد فيضليهم على الدليل في نيل المأس لعباء الواقف آيات في تدبج
الاحرة والاوله فيا له من خزنة قدر فرغ غير معطل وعرب سنده قوي موضوع في الدرر الاول
بكر علوم الانبياء شمه من طغيات بجزوده دانوار اعلام علم الهدى مقتبس من



انجامه نسخه (۱/۱۲۷۹۱)، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته

